

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

نگارنده: یونس غیاثوند، ۱۲ تیر- سرطان، ۱۴۰۱ خورشیدی
۰۹ جولای ۲۰۲۲

علت اصلی بحران آب در ایران چیست؟



از دهه ۴۰ خورشیدی تاکنون، ایران دچار خشکسالی های متعدد سفره های آب زیر زمینی خود است و سال به سال به تعداد منابع از بین رفته آب شیرین کشورمان افزوده می شود، ماجرا چیست؟ آیا مردم عادی ایران مصرف گرا هستند و منابع ملی را پی در پی هدر می دهند یا پشت پرده اتفاق دیگری در حال رخ دادن است؟

طبق آمارهای وزارتخانه های نیرو، کشاورزی، صنعت، معدن و تجارت و سازمان آمار ایران، مصرف سالانه آب کشورمان بین سه بخش مصرف عمومی، صنایع و معادن و کشاورزی تقسیم شده است؛ افرادی فکر می کنند که بخش مصرف عمومی قسمت بزرگی از آب کشور را مصرف می کند، ولی این نادرست است؛ طبق آمار های مراجع یاد شده ۹۲ درصد از آب مصرفی سالانه در بخش کشاورزی مصرف می شود.



بیانید تا علت های مصرف درصد بزرگی از آب را توسط بخش کشاورزی بررسی کنیم، نخستین ضربه به حرفه کشاورزی در دهه ۴۰ خورشیدی ثبت شد، در آن دوران کارشناسان کشاورزی اسرائیل به هدف فهمیدن این که چگونه میزان مصرف آب در بخش کشاورزی ایران متعادل است، به کشورمان آمدند و دلیل اصلی این را که چگونه ایرانی که بخش بزرگی از استانهای آن دچار کمبود بارش باران و برف هستند، می شود در آنها آب را طوری مدیریت کرد که کفاف همه نیاز های مردم در هر اقلیم را بدهد.

دلیل اصلی پاسداشت حداکثری منابع آب از سوی کشاورزان توسط سیستمی به نام قنات ها شکل می گرفت؛ اگر از افراد سالخورده چند دهه پیش پرسید که چگونه در آن دوران خشکسالی نبود، خواهید دانست که در آن دوران حداقل احتمالی وجود داشت که خشکسالی در ناحیه ای رخ دهد؛ متخصصان کشاورزی اسرائیل فهمیدند که سیستم قنات ها

طوری ساخته شده که برداشت آب برای رفع تشنگی زمین های دهقانان به اندازه کافی توسط قنات ها (که همگی افقی محور بودند) طوری تأمین می شود که هیچ سفره آب زیر زمینی دچار خشکسالی نشود، حتی در فصول بارش باران و برف نیز قنات ها شاهد برون ریزی آب از خود بودند!

متخصصان پلید اسرائیلی جهت ضربه زدن به دهقانان و مردم ایران، به دولت وقت و کشاورزان و خانهای آن دوران پیشنهاد کردند که به جای استفاده از قنات ها چاه های عمودی را ایجاد کنند، دلیل مضحک آنها این بود که قنات ها نمی توانند آب شیرین را در فصول بارش نگه دارند و در نتیجه این آب از قنات ها بیرون می ریزد.



طرح کلی برای سیستم قنات

متأسفانه به دلیل نفوذ حداکثری فرقه های صهیونیستی همچون: بهائیت، فراماسونری، مسلمان نماها (یهودیان به دروغ مسلمان شده) و غربگرایان این پیشنهاد اسرائیلی ها را قبول کرده و از آن دهه تاکنون چاه های عمودی تبدیل به منابع اصلی استخراج آب گشته اند و به دلیل مکش بسیار سریع و بی حد و اندازه آب توسط این نوع چاه ها و ابزار های مرتبط به آنها، سفره های زیر زمینی آب شیرین نمی توانند خود را بازیابی کنند و در نتیجه بعد از مدتی خشک می شوند.

ضربه دومی که از طریق دستورالعمل های نادرست کشاورزی به منابع آب ما وارد شد، ناشی از وجود بخش خصوصی و عدم نظارت بر فعالیت کشاورزان و زمین داران خرد می باشد؛ از سال ۵۷ به بعد، زمین داران بزرگ به طور کامل ریشه کن شدند و جای آنها را مالکان و کشاورزان خرد گرفتند، هنگامی که بخش کشاورزی خصوصی شود، دولت توانایی کنترل و بررسی کامل زمینهای زیر کشت را نخواهد داشت، زیرا آن زمین مربوط به دولت نیست و کشاورز هر طوری که بخواهد می تواند آب را مصرف کرده و هر محصولی را بدون تفکر بکارد.

کشاورزان در حال حاضر می دانند که دولت توانایی کنترل و نظارت بر آنان را ندارد، در نتیجه دستشان برای انجام هرکاری جهت به دست آوردن سود باز است و البته به طور قطعی دهقانان عزیز و باشرافتی نیز یافت می شوند که از راه های حرام و نادرست کسب سود نمی کنند، ولی این کافی نیست؛ بر اساس داده های دولت ایران و سازمانهای بین المللی، کشور ایران در رده ممالک کم آب جای گرفته و پربارش ترین استانهای ایران در طول سال واقع در شمال آن هستند که در همسایگی آبی و زمینی آنها جمهوری آذربایجان کم وسعتی قرار دارد که میزان بارش نزولات آسمانی آن از این نواحی شمالی بسیار بیشتر است!



مناطق غربی و شمالی و جنوبی شامل قره باغ و شمال شرقی جمهوری خودمختار نخجوان، دامنه کوه‌های قفقاز و ناحیه لنکران-آستارا و کوه‌های تالش بسیار مرطوب هستند. بیشترین میزان بارش سالانه در لنکران و به میزان ۱۶۰۰ تا ۱۸۰۰ میلیمتر و کمترین میزان بارش سالانه به میزان ۲۰۰ تا ۳۵۰۰ میلیمتر در آبشوران روی می‌دهد. مناطق مرکزی شامل جلگه‌های وسیع مستعد کشاورزی است که توسط رود کورا و ارس آبرسانی می‌شوند.

منبع: صبا سیر ایجنسی

دخالت دولت در امر کشاورزی ضروری است، کشاورزان به دلیل عدم راهنمایی و هدایت شدن توسط دستگاه‌های حکمرانی توجّهی به این مسأله نمی‌کنند که آیا منطقه آنها مناسب کشت هندوانه که بسیار آب بر می‌باشد هست؟ آیا می‌شود در آنجا برنج کاشت؟ همین عدم اجرای این کار درست باعث می‌شود که منابع نواحی کم آب همچون کرمان، یزد، قم و... از بین بروند.

دلیل سوم و پایانی عدم تعویض مرتّب زیر ساخت‌های انتقال و حفظ آب در کشور ماست؛ بسیاری از لوله‌های انتقال آب کهنه گشته و در میانه راه آبی که طی سالهای طولانی جمع شده براحتی بر روی زمین هدر می‌رود، صنعت سد سازی بدون پشتوانه علمی ضربه بزرگی به منابع آبی ما از دهه ۷۰ خورشیدی زده است، دولت اکبر هاشمی رفسنجانی و جانشینان او نمی‌دانستند که چرا غرب با وجود عدم برداشت تحریم‌ها به آنها طرز ساخت سد را یاد داده است! جواب به این معما دو وجهی است، یا در دستگاه اجرائی مربوطه عوامل نفوذی جای داشته‌اند یا علم کافی برای مدیریت وجود نداشته است؛ دولت‌های غربی به ایرانیان سد سازی را آموختند، ولی نه به صورت علمی و اصولی، همین منجر به این شد که صنعت سد سازی به صورت افراطی و غیرفناوری محور پیش رود و حوادثی همچون: خشک شدن دریاچه ارومیه، خشکسالی در شرق لرستان و غرب اصفهان رخ دهد.

در صورتی که این سه مشکل و معضلات دیگر با کمک و دخالت دولت و مردم محور بودن طرح‌ها حل نشوند، ما شاهد فروپاشی امنیت در دهه‌های آینده و جنگ بر سر آب نه در کشور‌های همسایه، بلکه در استانهای خود خواهیم بود.

پانویشت نگارنده: تشکر فراوان از همکار عزیزم که در یاری رسانی فنی و علمی برای مطالب و من کمترین زحمات فراوانی کشیده‌اند، عمرشان پربرکت باد!

*- منابع:

*- جغرافیای ایران، کتاب سال اول، متوسطه دوم (دبیرستان)، رشته علوم تجربی، ریاضی و فنی.

*- وزارت جهاد کشاورزی، آمارهای مرتبط به میزان بارش برحسب هر استان.